

# درز و ایای تاریخ معاصر افغانستان

( حصه ۲ )

فتح خان پیش ازینکه متوجه دفع حمله ایرانی ها شود حاجی فیروزالدین را بحیث يك عنصر سست و مضر سلطنت مترکزی شاه محمود مجبوس ساخت و بساط حکومت پوشالی او را در هرات جمع کرد آنکاه ایرانی هارا عقب زد و به هرات مراجعت نمود و بیکمال کفایت و کار دانی مشغول تنظیم امور شد و ضمنا در اثر تشددی که از سردار دوست محمد خان ظاهر شده بود رنجیده و مشارالیه از برادر مدبر خود جدا شده به کشمیر نزد محمد عظیم خان پناه آورد و آنجا در اثر خواهش فتح خان نظر بند گردید .

کامران که از روی خواهی و حسادت میخواست زود تر دست وزیر فتح خان از امور مملکت کوتاه شود برای چاق کردن هنگامه های نامساعد زمینه مساعدی یافت و از شکایت های عمومش حاجی فیروز الدین و زنان حرم او که دران میان همشیره اش هم بحیث زن ملک قاسم پسر حاجی فیروزالدین وجود داشت و از موضوع اقتدار یافتن وزیر فتح خان در هرات و پیوند تعبیرات غلط در آن چیزهای بهم یافت که افکار پدرش شاه محمود را مسموم ساخت و او را بی جهت در مقابل کسی برانگیخت که دو مرتبه سلطنت را برای آنها گرفته از کشمیر تا غوربان در تقویت این سلطنت از هیچگونه فداکاری خودداری نکرده و نمیکرد . شاه محمود که در عیاشی غرق بود و خیر و شر خود و مملکت را تمیز نمیتوانست متغیر شده خود به قندهار رفت و حاجی فیروزالدین که از طرف فتح خان مجبوس به قندهار فرستاده شده بود با کامران مشورت کرده و کامران قبل از رسیدن پدر به قندهار عازم هرات شد . این پیش آمدهای دراماتیک عاقبت واقعه تراژیک هرات بمیان آورده که در طی آن وزیر فتح خان مرد مدبر و نامدار به حکم کامران از نعمت بینائی محروم شد و چند نفر از برادرانش مثل یردل خان و کهندل خان اسیر شدند و آنشی که در سال ۱۲۱۴ هـ ق در قندهار در روز قتل سردار پاینده خان و جمعی از سران قوم بدست زمانشاه افروخته شده بود میرفت که خاموش شود ولی

کامران باردیگر آنرا درهرات دامن زدو در نتیجه همکاری هائی که میان سدوزائی ها و بارک زائی ها شروع شده و در دوره سلطنت محمود بصورت بهتر تر عملا دوام داشت دفعته مبدل به دشمنی و مخالفت شدیدی گردید و اول کسی که ازان متضرر شد خود سدوزائی ها بودند . کور شدن وزیر فتح خان و حبس او در ارگ هرات عداوتی را که قتل پاینده خان تولید نموده بود تجدید کرد و برادران وزیر بقصد انتقام جوئی برآمدند . جمعی در نادعلی در پیرامون لویه ادی مادر فتح خان جمع شدند و سردار محمد عظیم خان در کشمیر بنسای آمادگی را گذاشت . برای اینکه سلطنت بهرنگی باشد از دست شاه محمود و اولادش بیرون شود سردار محمد عظیم خان مکتوبی به شاه شجاع به لودیانه فرستاده یکطرف او را به آمدن به پشاور و گرفتن تخت و تاج تشویق نمود و از جانب دیگر دوست محمد خان را که بعد از قضیه شدت در تصاحب ثروت حاجی فیروزالدین و پناه آوردن در کشمیر به اشاره فتح خان نظر بند بود درها نموده بایار محمد خان و ۴ هزار نفر بیشتر از خود بطرف پشاور و کابل سوق داد . خبر نا بیناشدن وزیر فتح خان و رسیدن مکتوب سردار عظیم خان شجاع را به تک و پو انداخت و فوراً پسر خود تیمور را با ۵۰۰ سوار به قصد اشغال سند به سکا پور فرستاد و خود سمندر خان بامیزائی حکمران شاه محمود را از دیره جات برداشته عوضش محمد زمان خان پسر اسدخان را مقرر نمود و در اثر دعوت سردار محمد عظیم خان بطرف پشاور حرکت کرد . دوست محمد خان و بار محمد خان که پیش از او وارد پشاور شده بودند شهزاده ایوب ابن تیمور شاه را از طرف خود پادشاه ساخته و خود در هسپار کابل شده . طبعاً چون رسیدن شجاع میان ایوب و او جنگ شد و اخیراً ذکر مجبور به تخلیه شهر گردید چون سردار محمد عظیم خان درین فرصت برادر خویش جبار خان را در کشمیر گذاشته و خود در راه بود شهزاده ایوب طور داد خواہ در چچ و پیکای هزاره خورد را به اورسانید و شکوه آغاز کرد که برا درانت مرابه شاهی برگزیدند و شجاع مرا خلع میکند . سردار محمد عظیم خان که شجاع را به آمدن پشاور



واشغال مقام سلطنت دعوت نموده بود نمیدانست که چه راه مصلحت آمیزی پیش گیرد آخر به شجاع نوشت که میخواهد خصوصی باوی دیدن کنند . شجاع از ملاقات خصوصی سرباز زدومیان دسته های سالخوی طرفین بدون گفت و شنید تصادم واقع شد . مدت دو ماه سردار محمدعظیم خان در پشاور و شاه شجاع در خیبر بود و از بی اعتمادی متقابله سازش آنها صورت نگرفت و شجاع طرف دیره اسماعیل خان و شکار پور رفت . درین فرصت که سرداران شهزادگان و شاه سدوزائی شاه محمود به پیکار یکدیگر مشغول بودند در نجیت سنگ از انک پیشتر آمده و کشمیر را تصاحب نمود . در فرصتی که سدوزائی ها و باریک زائی ها ، بعد از چند سال همکاری در دوره سلطنت دوم شاه محمود به همدیگر مقابل میشدند از هرات تا قندهار و کابل بدست شاه محمود و برادر و پسر و نواسه اش بود و باریک زائی ها در دو نقطه نادعلی در غرب و پشاور در شرق جمع شده بودند و بطوریکه گفتیم شروع حرکت از طرف شرق از جانب سردار محمد عظیم خان بعمل آمد . سردار محمد عظیم خان در مسئله انتقام گیری برادرش وزیر فتح خان داخل اقدامات جدی شده و به تمام وسایل لازمه متصل گردید تا بهر رنگی شود به سلطنت شاه محمود خاتمه بدهد . علاوه بر مکاتبه با شاه شجاع که سازش شان صورت نگرفت قبل از اعزام دوست محمد خان و یار محمد خان بطرف پشاور و کابل سه مکتوب اسمی امین الله خان لوگری هم نوشته و او خاندانش را برای اخذ انتقام اشرف الوزرا وزیر فتح خان دعوت به همفکری خود و همکاری با دوست محمد خان نموده که اینک اول متن آنها را نقل میکنم :

« مرقع سوم اسناد قلمی »
« موزه کابل مکتوب ۱۳ »

« عالیجاه رفیع جسا یگجاء دوستی »  
 « وموالات آگاه خصوصیت نشان »  
 « امین الله خان قرین جمعیت فراوان »  
 « باشد بعد شوق موفور و اضح آنکه حقایق ورو داد آنحدود »  
 « پنجوی است که درین نزدیکی متواتر و متوالی بقلم آمده ازان »  
 « قرار حالی آن عالیجاه خواهد بود حال اینصورت دارد که عالیجاه »

« امیرالمرءاعظام اخوی ارجمندی دوست محمدخان با جمعیت بسیاری روانه »  
 « الکای پشاور که وارد آنجا گردیده باشد و نیز مقرر است که ارجمندی نواب »  
 « جنیاب خان رابا لشکر سوار و پیاده درین چند یوم »  
 « میرخص و متامور آنحدود خواهد نمود لازم که »  
 « آن عالیجاه حق اشرف الوزراء را مرعی داشته در رفاقت عالیجاهان مذکور »  
 « بدل و جان سعی موفور بکار برده یا بچه خود و یا برادر خود با جمعیت شایان روانه »  
 « الکای پشاور نموده و خود آنجا لیجاه کمر همت و مر دانگی و غیرت »  
 « و فرزاتگی را بر میان جان بسته منتظر هر گونه نامه و پیام عالیجاه اخوی »  
 « یار محمد خان و دوست محمدخان بوده باشند زیرا که این وقت وقت »  
 « خدمت و اظهار حسن اخلاص است و بندگان اشرف الوزراء برای چنین »  
 « روزی دوستان و هوا خواهان خود را میخواست و بر خود شما معلوم است »  
 « که اشرف الوزراء از گروه برادران خاطر داری شما میفرمود الحمد لله »  
 « اگر یک وزیر گرفتار است صد وزیر دیگر موجود و برای جان نثاری »  
 « آماده و حاضر به همه باب خاطر جمع داشته بنده در گاه را با تمام برادران »  
 « به جان و مال درین مقدمه سرگرم و ساعی دانسته انشاء الله تعالی عنقریب »  
 « مخالفان را شرمندگی و ندامت حاصل و خاطر هواخوان اشرف الوزراء »  
 « از گرد و کلفت مصفی خواهد گردید و آن عالیجاه خدمت های خود را »  
 « ضایع و بیجا ندانسته هر سعی و اهتمامی که دارند در خدمت و جان فشانی »  
 « بظهور میرساند و احوال باهر گونه مرجوعات بقلم آرید چون بعد از »  
 « روانه شدن اخوی نواب جبارخان خود بنده در گاه عازم انحدود و بفضل »  
 « خدا درین نزدیکی وارد آنجا خواهد گردید دوستان و اخلاص کیشان »  
 « را فرار خود خدمت و غمخواری ها مورد اشفاق و عنایات داشته و درخیر »  
 « و خوبی آنها به وجهی کوتاهی نخواهد بود به همه باب خاطر جمع داشته »  
 « سرگرم دوستی بوده باشد »  
 « با عظیم





در این کتاب که در دسترس است که هر که میسر آید این اثر را مطالعه کند

در این کتاب که در دسترس است که هر که میسر آید این اثر را مطالعه کند

در این کتاب که در دسترس است که هر که میسر آید این اثر را مطالعه کند

در این کتاب که در دسترس است که هر که میسر آید این اثر را مطالعه کند

در این کتاب که در دسترس است که هر که میسر آید این اثر را مطالعه کند

در این کتاب که در دسترس است که هر که میسر آید این اثر را مطالعه کند

در این کتاب که در دسترس است که هر که میسر آید این اثر را مطالعه کند

در این کتاب که در دسترس است که هر که میسر آید این اثر را مطالعه کند

در این کتاب که در دسترس است که هر که میسر آید این اثر را مطالعه کند

در این کتاب که در دسترس است که هر که میسر آید این اثر را مطالعه کند

در این کتاب که در دسترس است که هر که میسر آید این اثر را مطالعه کند

در این کتاب که در دسترس است که هر که میسر آید این اثر را مطالعه کند



مرقم سوم اسناد خطی موزه  
کابل مکتوب ۱۵

عالیجاه رفیع جایگاه دوستی و موالات آگاه  
عمده الخوانین خصوصیت نشان امین الله خان  
حفظ الله تعالی بعد شوق موفور و اشتیاق

نامحسور واضح آنکه قبل از این چگونگی مقدمه اشرف الوزرا وسیع و اهتمام  
 « بنده در گاه و جمع برادران و دوستان در تدارک این مقدمه بنحوی که  
 « صورت وقوع داشت بران عالیجاه بقلم آمده از انقرار حالی خواهد بود درینوقت  
 « عالیجاه امیر الامراء العظام اخوی دوست محمد خان با جمعیت دو هزار  
 « سوار و دو هزار پیاده در تدارکات سامان مامور الیکای پشاور گردید  
 « که عنقریب وارد آنجا گردیده مشغول بندوبست مقدمات رویکار خواهد  
 « بود چون عالیجاه خیر اندیش و هوا خواه بندگان اشرف الوزراست  
 « لازم که درین خصوص کمر همت و مردانگی را بر میان بسته هر چه از غیرت  
 « و جوان مردی های شما سزد و آید دقیقه نامرعی نگذاشته برای رفاقت  
 « عالیجاه دوست محمد خان کدام برادر یا بچه خود را روانه پشاور نمائید  
 « و خود منتظر نامه و پیام دوست محمد خان بوده هر گونه برای شما بقلم  
 « آرد از انقرار عمل نموده زینهار که درینوقت خدمت خود را مقصود و معذور  
 « نخواهند داشت که اینوقت وقت خدمت و اخلاص کیشی است و امید بخداست  
 « که مخالفان عنقریب شرمنده و پشیمان و بسزای کردار خواهند رسید  
 « بنده در گاه را درینمقابله بسر و مال و جان کوتاهی نیست انشاء الله تعالی  
 « تازنده باشم دست از انتقام معاندان اشرف الوزرا نخواهم برداشت  
 « خاطر جمع داشته بوجهی در همت و مردانگی کوتاهی نمائید و احوالات  
 همیشه اوقات نویسان باشید. «  
 بهر مصلحت

یا عظیم

«عالیجاه رفیع جایگاه خصوصیت و بیک جهتی»  
 «نشان امین الله خان به سلامت بوده به عافیت باشد»  
 «که مجاری حالات این جاهی بعون الهی الحمد»

مرقع سوم اسناد خطی  
 موزه کابل مکتوب ۲

«والمئه بتاریخ ذی الحجته به درجه حمد است که قبل ازین عالیجاه رفیع»  
 «جایگاه امیر المرء العظام اخوی ارجمندی ام دوست محمدخان سردار رابه جهت»  
 «تمشیت و امورات آنجا با جمعیت وافر و لشکر نصرت اثر و تدارک معقولی روانه»  
 «آنطرف نموده شده و آن عالیجاه از قدیم ایام اخلاص کیش و خیر خواہ این دولت»  
 «میباشند برسیدن عالیجاه ارجمندی با جمعیت خود ها کمر همت بر میان»  
 «جان بسته مردانگی را از دست نداده با اتفاق عالیجاه ارجمندی ام خدمت خود ها»  
 «را با انجام رسانیده که روی دشمنان سیاه خواهد شد و اشخاصیکه خیر خواہ»  
 «این دولت و منسوب آن عالیجاه میباشد خواطر جمعی و دل سائی داده بخدمت»  
 «کناری قیام نمائید و انشاء الله تعالی بفضل و عنایت الهی بعد از عید قربان»  
 «بندگان عالی بالشکر ظفر اثر و جمعیت کامل تدارک کرده روانه آنطرف»  
 «میگردیم که انشاء الله تعالی تا سلخ شهر ذی الحججه وارد الکای پشاور خواهیم»  
 «شد و آن عالیجاه بزودی تدارک و جمع آوری خود را آماده نموده منتظر»  
 «احوال عالیجاه ارجمندی ام سردار معظم بوده آنچه امر از طرف... (۱)»  
 «ان عالیجناب گردد موافق آن عمل نموده که باعث سرفرازی آن عالیجاه»  
 «میباشد و فرا خور خدمات بهره مندوسر افراز خواهد گردید و تا دست»  
 «داد احوالات و رویدا آنجا را مفصل بجهت عالیجاه رفیع جایگاه اخوی»  
 «ارجمندی ام یوم به یوم نویسان باشید که باعث اطمینان و خاطر جمعی»  
 «حاصل گردد.»

مهر  
 یا عظیم

این سه مکتوب سردار محمد عظیم خان که تقریباً متحدالشکل و بیک مضمون میباشد  
 به اساس مکتوب سوم می که تاریخ ذی الحججه دران ذکر شده یکی بعد دیگری  
 بکمال عجله و شتاب در روزهای اندوهگین و هیجان آوری تحریر شده که



خبر کورسا ختن و حبس وزیر فتح خان در هرات بسمع برادران او رسید. دو مکتوبی که تاریخ ندارد من حیث واقعات مندرجه باندازه شبیه مکتوب سومی است که ضمناً باید به فاصله نزدیک در اواخر ذی القعدة و اوائل ذی الحجه (۱۲۳۳ هـ ق) فرستاده شده باشند. سردار محمد عظیم خان درین مکاتیب وزیر فتح خان را به لقب اشرف الوزرا بدون ذکر نام او خوانده و دوست محمد خان را گاهی ارجمندی و اخوی و گاهی به لقب امیر الامراء العظام یاد نموده است تعداد و عساگری که همراهی دوست محمد خان و یار محمد خان بطرف پشاور فرستاده است ۲ هزار سوار و ۲ هزار پیاده تعیین گردیده. درین مکاتیب هنوز از کابل و حرکت سرداران بدان طرف اسمی و خبری نیست و کمک های که سردار محمد عظیم از امین الله خان لو گری خواسته نموده است مبنی برین است که برادر باپسر خود را با جمعیت نفری علی العجله به پشاور بفرستد و خود آمده او امرثانی سردار یار محمد خان و دوست محمد خان باشد. در مکتوب (نمره ۱۳) از اعزام نواب جبار خان عقب دوست محمد خان تذکار رفته اما واقعات نشان میدهد که سردار محمد عظیم خان نامبر ده را بجای خود در کشمیر گذاشته و خودش قراریکه در مکتوب (نمره ۲) میگوید بعد از عید قربان در اواخر ذی الحجه سال ۱۲۲۳ به پشاور واصل گردیده است. سردار محمد عظیم خان درین مکاتیب شاه محمود سدوزائی پادشاه وقت و کامران پسرش را که کور ساختن وزیر فتح خان به امر او صورت گرفته بود اسم نبرده بلکه ایشان را بالعموم با طرفداران شان به صفت مخالفین و معاندین یاد کرده است. بهر حال واقعات آمدن دوست محمد خان و یار محمد خان در پشاور و یاد شاه ساختن شهزاده ایوب بن تیمور شاه، رسیدن شاه شجاع خلع و اخراج ایوب، داد خواهی اخیر الذکر نزد سردار محمد عظیم خان، حرکت دوست محمد خان و یار محمد خان با دوسه برادر دیگر شان طرف کابل و عدم سازش سردار محمد عظیم خان و شجاع در پشاور بیشتر شرح یافت.

( دوست محمد خان و یار محمد خان در کابل با جها نگیر ابن کامران

و عطا محمد خان بامیزائی مقابل شدند. عطا محمد خان جا کم سابق کشمیر بمناسبت عزل خود از حکومت اینجا از فتح خان و شام محمود هر دودل آزرده بود و به این مناسبت در هرات در فاجعه کور ساختن فتح خان سهیم شد. دوست محمد خان که حریف را خوب تشخیص داده بود از پشاور با او مکاتبه نمود به او حالی نمود که اگر میخواست این جرم فراموش شود باید در قضیه کابل باوی همکاری کند عطا محمد خان که حکومت کشمیر را در اثر فرمان شاه محمود از دست داده بود در مقابل تسلیم شده و جهانگیر ۴۰ روز در بالا حصار محاصره مانده فرار کرد و عطا محمد خان مذکور هم بعد تر به جرم اشتراك در کور ساختن فتح خان کور ساخته شده دوست محمد خان بدون اینکه انتظار يك فيصله عمومی برادران بزرگ خود را در چنین موقع خطیر بکشد شهزاده سلطان علی پسر تیمور شاه را پادشاه ساخته و خود را وزیر او اعلام نمود. به مجرد رسیدن جهانگیر به قندهار شاه محمود و کامران نایب گل محمد فوغل زائی را بحکومت آنجا گذاشته و خود وزیر فتح خان نابینا را گرفته طرف کابل حرکت کردند و در منزل بینى بادام سعید آباد وردک (بین غزنی و کابل) بار دیگر از وزیر فتح خان خواهش کردند که برادران خود را از مقابله منصرف سازد. در اثر جواب های منفی و سختی که از نامبرده شنیدند سران قبایل مختلف را طوعاً و کرهاً در خون این وزیر نامدار و مرد بزرگ که واقعاً در هیاهوی قرن ۱۹ در میان شهزادگان سدوزائی و سران بارکی زائی شخص مدبر منحصر به فرد بود در ۱۲۳۴ هجری تکه تکه کرده و بقتل رسانیدند و جسدش را برای دفن به غزنی فرستاده در پهلوی بقعه شیخ رضی الدین علی لالا دفن نمودند. این جنایت بزرگ و عفو ناپذیر که افغانستان را از فرزند لایق و ناموری محروم ساخت صدمه ایست که بیشتر از قتل پدرش سردار پاینده خان برای مملکت کران تمام شد زیرا در بن وقت و چنین فرصت باریک که دشمنان در ولایات سرحدی چشم دوخته و قدم بقدم فرا ترمی آمدند کشور به بازوی توانا و حسن تدبیر و اقدامات عملی چنین مرد بزرگ بیشتر از همه اوقات ضرورت و احتیاج داشت. (باقی دارد)